

تبیین و ترسیم چرخه مدیریت تولید علوم انسانی - اسلامی «با رویکرد الگوی مدیریت شبکه‌ای»

عبدالعلی رضایی

عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی قم

چکیده

الگوی شبکه‌ای ساختاری مناسب برای مدیریت و مشارکت حداکثری نظام علمی کشور در تولید علوم انسانی - اسلامی است که در آن تولید رقابتی علوم انسانی - اسلامی بر اساس نیازمندی‌های فرهنگ دینی امکان‌پذیر می‌شود.

الگوی مدیریت شبکه‌ای فضای حداکثری را برای نوآندیشی و آزاداندیشی، که وصف اصلی اسلامی در فعالیت‌های علمی است، فراهم می‌سازد تا از این طریق، ساختار علمی موجود کشور به یک ساختار علمی مستقل، نو و پویا مبدل شود و حداکثر هم‌گرایی، همفکری و همکاری در رشد، گسترش و تکامل علمی محقق گردد.

تا مادامی که نهادهای علمی کشور زیر پوشش یک مدیریت شبکه‌ای سازماندهی نشوند، امکان تولید هماهنگ و انبوه علوم به خصوص در علوم انسانی - اسلامی تحقق نخواهد یافت.

ارکان الگوی مدیریت شبکه‌ای شامل شورای عالی انقلاب فرهنگی است که نقش قرارگاه و مرکزیت شبکه را دارد. حوزه‌های علمیه نیز در تولید علوم انسانی - اسلامی، عضو رکنی شبکه محسوب می‌شوند و در بالاترین سطح بنیادی ایفای نقش می‌کنند. حوزه‌ها مفاهیم پایه و بنیادی را به وسیله روش اجتهادی از متن آیات و روایات استخراج کرده و در اختیار اندیشکده‌ها و فرهنگستان‌های علوم انسانی قرار می‌دهند تا اقدام به تئوری‌پردازی کنند. در مرحله بعد، پژوهشگاه‌های وابسته به هر اندیشکده و فرهنگستان به شرح و بسط نظریه پرداخته و برای آن اقدام به تولید فلسفه و روش تحقیق نظری، کتابخانه‌ای و میدانی می‌کنند. در مرحله چهارم، آزمایشگاه تحت اشراف هر اندیشکده و فرهنگستان در فضای آزمایشگاهی میزان کارآمدی نظریات تولیدشده را آزمایش و اندازه‌گیری می‌کند. در مرحله پنجم دانشگاه، نظریه آزمایش شده را از طریق روش‌های تحقیقات نظری، کتابخانه‌ای و میدانی تطبیق می‌دهد تا تبدیل به علم قابل تفاهem و انتقال شود.

کلیدواژه‌ها: الگوی مدیریت شبکه‌ای، شبکه علمی، ارکان، مفاهیم اعتقادی، اخلاقی، تکلیفی.

مقدمه

مقاله حاضر سعی دارد الگوی مدیریت شبکه‌ای را به عنوان سازمان و مدیریت تولید علوم انسانی - اسلامی معرفی کند. این شبکه علمی از یک سو پذیرای حضور حداکثری نظام علمی جامعه اسلامی است و از سوی دیگر تولید رقابتی علوم انسانی - اسلامی بر اساس نیازمندی‌های فرهنگ دینی و بوم جغرافیای ایران را امکان‌پذیر می‌کند. در مدیریت شبکه‌ای توجه به اصالت اختیار و آزاداندیشی به عنوان دو وصف اصلی نظام اسلامی در تحرک علمی محسوب می‌شود. ایجاد مدیریت شبکه‌ای مورد نظر می‌تواند سازمان علمی موجود کشور را به یک شبکه بالنده، پیشرو و نو مبدل کند تا از این طریق بتوان به افق‌های جدیدی از علم با حداکثر کارایی دست پیدا کرد.

تحول در علوم انسانی از ارکان و الزامات انقلاب فرهنگی محسوب می‌شود که بدون آن نمی‌توان اقدام شایسته‌ای برای تمدن‌سازی نوین اسلامی انجام داد.

«به نظر می‌رسد در حال حاضر، الگوی منسجمی بر نهادهای علمی، حاکم نیست. اما با اغماض و تسامح می‌توان الگویی شبیه «الگوی مکانیکی» را که با ویژگی‌هایی نظیر ایستائی، انتزاع‌نگری و موزاییکی کردن واحدهای هدف همراه است برو وضعیت کنونی تطبیق داد. این الگو در دوران گذار و پس از یک بازه زمانی می‌تواند به یک «الگوی دینامیکی» با ویژگی‌هایی نظیر «پویایی، کل‌نگری، هوشمندی نسبی و تقلیل درصد حضور آمرانه راهبران در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سرپرستی، پایش و پیمایش» تبدیل شود. لذا در وضعیت مطلوب، باید از یک الگوی کامل‌تر همچون «الگوی ارگانیکی» با ویژگی‌هایی نظیر کمال‌یافتنگی در حوزه «ارتباطات»، نگاه سیستمی در «حمایت، هدایت و نظارت»، هوشمندی کامل در حوزه «اطلاعات علمی» و تبدیل مدیریت نیمه‌متمرکز به یک مدیریت افقی غیرمتمرکز کاملاً شبکه‌ای» بهره گرفت» (رضایی، ۱۳۸۸: ص ۲۵).



با پذیرفتن این ضرورت نیازمند آن هستم که:

۱. روابط درونی و بیرونی شبکه علمی، تحول و تولید علوم انسانی - اسلامی را در قالب یک طرح اولیه اما واقعی و شفاف ارائه داد.
۲. این شبکه علمی در فرایندی به عنوان یک نظام کارآمد و ارزشمند باید به تفاهم اجتماعی برسد و راهی به دور از رفتارهای دستوری برای مقبولیت اجتماعی آن پیدا کرد.
۳. با بهره‌گیری از ظرفیت عقلانیت جمعی و مشارکت اجتماعی، به نهادینه‌سازی این شبکه علمی اهتمام کرد.

در این صورت می‌توان امید داشت که شبکه پیشنهادی در یک بازه «میان‌مدت» به سازمان اصلی تولید علوم انسانی - اسلامی در کشور مبدل شود.

نخست باید به این پرسش پاسخ داد که آیا این شبکه علمی پیشنهادی، سازمان علمی موجود کشور را متورم تر و بزرگ‌تر نمی‌کند؟ آیا وجود این شبکه، نظام علمی کشور را پرهزینه‌تر نمی‌کند؟ اگر چه تحول دارای هزینه‌هایی است اما در پاسخ باید گفت که اولاً شبکه‌ها برای بهینه سازمان‌های علمی موجود طراحی می‌شوند و اصولاً مدیریت شبکه‌ای برای پرهیز از سازمان طولی طراحی شده است و سازمان‌های طولی همواره پرهزینه و متورم هستند. دوم آنکه در فضای موجود به علت عدم شفافیت و روابط ارگانیک علمی کشور، تعدادی اندیشکده و فرهنگستان، تعداد زیادتری پژوهشگاه و... وجود دارد که دارای یک دستورکار و یک روش و اندیشه همسان نیستند. در اصل شبکه‌ای تعریف کردن سازمان موجود علمی باعث بهینه‌سازی جایگاه‌ها، شفاف شدن مأموریت‌ها، ارتقا کارآمدی و انسجام، هماهنگی در تولید علوم انسانی - اسلامی به صورت نظاممند و غیرمت مرکز خواهد شد.

جا دارد یادآوری شود، الگوی مدیریت شبکه‌ای ارائه شده دارای مباحث مفصل و دقیقی است، اما مقاله حاضر تلاش موجزی است که سعی دارد تا حد ممکن ساده بیان شود. بدیهی است که مبانی استدلالی مبحث پیشنهادی نیز باید در مقاله‌ای مجزا ارائه شود.

۱. بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین مشکلات در عرصه تولید علم دینی خصوصاً علوم انسانی-اسلامی، عدم همدلی، همفکری و همکاری میان نهادهای فعال در این عرصه است. فقدان سازوکار مناسبی جهت همکاری‌های بین سازمانی در نهادهای علمی، موجب شده است، تا بسیاری از فرصت‌های قابل بهره‌برداری در شکل جمعی به تهدید مبدل شده و پاره‌ای مشکلات که با اندک همکاری قابل حل بود به معضلی جدی تبدیل شود.

اما نکته مهم این است که عدم همکاری و هماهنگی نهادهای علمی مسئله اصلی نیست، بلکه عارضه و جلوه مشهود مسائلی ریشه‌ای است. که جهت ارائه هر گونه راه حل اساسی بایست ابعاد و علل این عارضه از دو بعد، مورد تحلیل قرار گیرد:

۱.۱. بعد نظری مسئله

فقدان یک الگوی جامع راهبردی در عرصه تولید علم عموماً و در حوزه تولید علوم انسانی-اسلامی خصوصاً، نوعی گسستگی در ابعاد مختلف را موجب شده است. این انقطاع نه تنها در خصوص گسستهای سازمانی که سطحی‌ترین و عینی‌ترین لایه است، بلکه در سطوح عمیق‌تر موضوع سبب شده تا حتی موضوعات، مؤلفه‌ها و ابعاد مختلف تولید علوم انسانی-اسلامی، از نظامی منسجم تبعیت نکنند. بدیهی است در چنین فضای نامطلوبی که تاکنون اجماع نظری بر یک الگوی راهبردی در این عرصه حاصل نشده است، وظایف و فعالیت‌های نهادهای ستادی و صفتی - چه به صورت انفرادی و چه جمیع - با مشکلاتی مواجه است که یکی از مهم‌ترین آنها در سطح جمعی، فقدان هماهنگی مناسب این نهادها و سازمانهای مسئول است.

۱.۲. بعد ساختاری مسئله

عامل دوم بروز مشکل را باید در فقدان سازوکار «همدلی، همفکری و همکاری» مناسب بین نهادهای علمی و مدیریتی دانست. محورهای اساسی این مشکل را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. گسست نظام ارتباطی بین سازمانی واحدهای علمی در حوزه علوم انسانی و عدم

۲. پیشینه مدیریت شبکه‌ای تحقیقات

در بررسی‌های انجام شده در منابع داخلی و خارجی مشخص شد:

۱. از سال ۷۴ تا ۷۹، تحقیقاتی با عنوان مدیریت شبکه‌ای با همکاری تنی چند از حوزه‌های و دانشگاهیان که حدوداً ۱۴۰ جلسه بوده در سه مجلد با این عنوانین تدوین شده است:

- کتاب توسعه تفahم علمی جلد اول؛^۱

- جزوء مرحله تغییرات مدیریت شبکه‌ای تحقیقات؛^۲

- کتاب الگوی طراحی سازمان مدیریت شبکه‌ای تحقیقات.^۳

۲. پایان نامه^۴ با عنوان بررسی مبانی نظری مدیریت شبکه‌ای تحقیقات و ارائه

۱. همان.

۲. مرعشی، سید جعفر، توسعه تفahم علمی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۳. رضایی، عبدالعلی، مرحله تغییرات مدیریت شبکه‌ای تحقیقات، انتشارات فرهنگستان علوم اسلامی، ۱۳۷۷.

۴. رضایی، عبدالعلی، الگوی طراحی سازمان مدیریت شبکه‌ای تحقیقات، انتشارات فرهنگستان علوم اسلامی، ۱۳۸۹.

۵. قماشچی، فردوس، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله العظیم (عج)، دانشکده بهداشت، استاد راهنما حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالعلی رضایی، ۱۳۸۱.

- توازن نظام عرضه و تقاضا در نظام علمی کشور؛
۲. ضعف نظام اطلاعات مدیریتی درون و بین‌سازمانی واحدهای حوزه علوم انسانی – اسلامی؛
۳. حاکمیت درونی مدیریت مرکز، یک سویه، بسته و عمودی بر کلیه واحدهای حوزه علوم انسانی؛
۴. عدم توازن «قدرت، اطلاعات و منابع» واحدهای علمی متناسب با ظرفیت‌ها و مأموریت‌های سازمانی آنها؛
۵. ضعف نظام عقلاتیت جمعی به عنوان مرکز ثقل هدایت راهبردی تولید علوم انسانی – اسلامی در سطح ملی و جهان اسلام؛
۶. حاکمیت نگرش خُرد و انتزاعی در فرهنگ سازمانی.^۱

شاخص‌های مدل مطلوب.

۳. کتاب با عنوان الگوی مدیریت شبکه‌ای کلان دستگاه فرهنگی.^۱
۴. سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۸ در کشور آمریکا در زمینه شبکه‌های محلی و ملی در زمینه تحقیقات پزشکی، سیستمی به نام شبکه طبابت پویا طراحی شد که به سرعت ۲۵ ایالت شمال کشور آمریکا و چهار استان کشور کانادا زیر پوشش اطلاعاتی این شبکه قرار گرفته است (برویرینگ و هیلتون، ۱۹۹۱: ص ۱۵۳-۱۳۹).^۲
۵. در سال ۱۹۹۱ در شهر واشنگتن Biosynthesis طراحی و اجرا شد (گابریل، ۱۹۷۸: ص ۲۴۷-۲۴۵).^۳
۶. در سال ۱۹۹۱ شبکه آکسفورد و رمنت متšکل از گروهی پزشکان متخصص است برای بهتر انجام شدن تحقیقات طراحی و انجام شد (لاورسون و کالنگ، ۱۹۸۸: ص ۳۵۶-۳۵۰).^۴
۷. در سال ۲۰۰۰ در یکی از استان‌های کانادا به منظور آموزش و کسب تجربه پیرامون شبکه‌های آموزشی و تحقیقی در علوم پزشکی مطالعه‌ای انجام شد (لاف، ۲۰۰۰).^۵
۸. تحقیقات گسترده‌ای توسط مانوئل کاستلز انجام شد و در سه مجلد به چاپ رسید که جلد اول آن با عنوان عصر اطلاعات ظهور جامعه‌ای شبکه‌ای است. این تحقیقات ابعاد وسیع جامعه شبکه‌ای را مورد بررسی قرار داده است (کاستلز، ۱۳۸۴).

البته باید مذکور شد که منابع در زمینه شبکه‌سازی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بسیار زیاد است اما در زمینه مدیریت شبکه‌ای خصوصاً در موضوع تولید علوم انسانی اطلاعات زیادی در دست نیست.

۱. رضایی عبدالعلی، الگوی مدیریت شبکه‌ای کلان دستگاه‌های فرهنگی، انتشارات فرهنگستان علوم اسلامی، شهریور ۱۳۸۸.
2. Broering NC, Hylton JC.
3. Gabrieli ER.
4. Lverson DC, calonge BN.
5. Lauf, Hayward R.

۳. ضرورت مدیریت شبکه‌ای در تولید علوم انسانی - اسلامی

ضرورت و انگیزه پرداختن به موضوع مدیریت شبکه‌ای در فرایند تولید علوم انسانی - اسلامی، کمبودها و معضلات در نظام علمی و تحقیقاتی کنونی در این زمینه است. لازمه تولید علم تلاقی اندیشه‌ها در بستری مناسب است که در نهایت رشد علمی را به دست دهد، طبعاً صاحبان اندیشه باید دست به فعالیت مشترکی در این زمینه بزنند و چه بهتر که این فعالیت مشترک در قالبی یکپارچه صورت گیرد. ضرورت وجود قالب یکپارچه بهدلیل لزوم برخورداری از محتوایی یکپارچه است.

به عبارت دیگر اگر قرار است مجموعه‌ای از معارف و علوم در نتیجه تعامل اندیشه‌ها به وجود آید، این امر به صورت گسیخته امکان‌پذیر نیست.

بنابراین برای ایجاد یکپارچگی در نظام تولید معارف و علوم انسانی - اسلامی، الگو یا قالب آن نیز باید نظاممند و یکپارچه باشد. این عرصه یا قالب، برقراری ارتباط میان متفکران، اندیشمندان و نظریه‌پردازان را ممکن می‌سازد. وجود چنین ارتباطی لازمه فعالیت‌های محققانه است.

حال بر اساس دو چالش اصلی در عرصه تولید علم دینی کشور - یعنی «فقدان الگویی کارآمد» و «عدم بهره‌گیری از ساختارهای مناسب» - می‌توان از لزوم طراحی الگویی متفاوتی برای مدیریت نهادهای تولید علوم انسانی - اسلامی بر اساس «الگوی مدیریت شبکه‌ای» سخن گفت که ویژگی‌های ذیل را تأمین کند:

۱. تحول در ساختار مدیریت کلان تولید علوم انسانی - اسلامی از طریق بازتعریف نظام شاخص‌ها، استانداردها، قوانین و مقررات هماهنگ در حوزه نهادهای علمی مرتبط؛

۲. طراحی نرم‌افزار مدیریت هوشمند اطلاعات در حوزه نهادهای علمی علوم انسانی - اسلامی؛

۳. معماری نظام ارتباطات پویا، سیال، جامع و بروونگرای نظام علمی کشور؛

۴. پی‌ریزی فرایند عقلانی و نظام یکپارچه فکری، بر عقلانیت جمعی در حوزه علوم

انسانی - اسلامی؛

۵. تهدید عقبه و تحديد گستره نفوذ جبهه معارض در حوزه علوم انسانی - اسلامی؛
۶. تعریف جایگاه و نقش مدیریت کلان واحدها با رویکرد مشارکت‌گرا در حوزه علوم انسانی - اسلامی.

جامعه اسلامی در فرایند تغییرات گسترده دهه‌های اخیر و طراحی و مهندسی نظام اسلامی در ابعاد مختلف علمی، نیاز به اقدامی فراگیر برای ایجاد «سامانه‌های مدیریت شبکه‌ای» دارد تا از این طریق بتواند سازمان‌ها، نهادها و دستگاه‌های تحت امر خویش را - در آنجا که نیازمند مدیریت شبکه‌ای و غیر مرکز است - برای همراهی با این حرکت بزرگ مدیریتی همراه سازد. حال که فرصت نهضت تولید علم دینی برای جامعه بزرگ علمی کشور فراهم شده است تا برای اولین بار در سطح ملی، الگویی متفاوت را طراحی و عملیاتی کند تا با موفقیت آن، خود الگویی برای دیگر بخش‌های نظام باشد، باید آن را مغتنم شمرد و باور کرد که بخش مهمی از چالش‌های علمی و اجرایی، با به کار بستن این الگو، مرتفع خواهد شد.

منابع علمی مدیریت پذیرفته‌اند که هدایت کردن تصمیم و فهم و رفتار، در بستر شبکه‌ای، به مراتب مؤثرتر و تعیین‌کننده‌تر از یک نظام مرکز غیر شبکه‌ای است. چون ساختار مرکزگرا، همواره طفیلی ساختار قدرتمند شبکه‌ای و متأثر از آن است ولواز وجود چنین شبکه‌ای در درون مرزهای ملی خود، بی‌بهره باشد. به بیان بهتر، اگر مدیریت کلان جامعه، جریان مدیریت شبکه‌ای را با محوریت «ارتباطات بین سازمانی» در دست گیرد می‌تواند برای رشد تصمیمات، تفکرات و رفتارهای فردی، سازمانی و اجتماعی، بستری امن فراهم سازد و ضمن حفظ استقلال و هویت آنها، کارآمدی و اثربخشی را بر اساس یک «جهت» و «مبنای» سازمان دهد. این همان نقطه‌ای است که ضرورت نیاز به طراحی مدیریت شبکه‌ای در تولید علوم انسانی - اسلامی را تمام می‌کند.

۴. تعریف شبکه

شبکه نظامی ارگانیک با ارتباطات تعریف شده و چند سویه بوده که متشکل از لایه های متوازن اما غیر هم وزن است و در قالب سلول های اصلی شبکه و افراد حقوقی (و احياناً حقیقی) تأثیرگذار، با یک مرکز راهبری تعیین شده و البته با سازوکاری غیر متمرکز است. شبکه، دارای ساختاری باز، پویا و نامحدود است که می تواند مناسب با شرایط و اقتضایات، پذیرای سلول ها، واحدها و مأموریت ها و فعالیت های جدید باشد.

مؤلفه های پایه برای هم افزایی، انسجام بخشی و هماهنگی سلول ها و واحدها عبارت است از:

۱. مؤلفه های ارتباطزا از جمله «مأموریت و اهداف مشترک» در سطح «کلان» برای ایجاد «همکاری سازمانی» در درون و بیرون، به عنوان نقطه کمال «هماهنگی شبکه ای»؛

۲. مؤلفه های اعتمادزا از جمله «ارزش ها و آرمان های» مشترک در سطح «اصولی» برای ایجاد «همدلی سازمانی» در درون و بیرون، به عنوان نقطه شروع «هم افزایی شبکه ای».

۵. مبانی

مبانی حاکم بر الگوی مدیریت شبکه ای عبارت است از:

۱. هویت گرایی؛^۱

۲. تعاون محوری (سوره مائدہ، آیه ۲)؛^۲

۳. قانون گرایی (قانون اساسی ج.ا.)؛^۳

۱. ملاحظه حفظ هویت «فردی، سازمانی و فراسازمانی» افراد و نیز واحدها در الگوی مدیریت شبکه ای، ایجاب می کند آمیزه ای از «ارتباطات بین سازمانی» و «استقلال هویتی افراد و سازمانها»، مبنای عملیاتی کردن الگوی مزبور باشد.

۲. «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ».

۳. اصول ۲، ۴، ۲۰، ۷۲ و ۱۰۵ و قانون اساسی ج.ا.

۴. نظم‌پذیری (نهج‌البلاغه: نامه ۴۷، سیاست‌های کلی فرهنگ);^۱
۵. مشارکت‌گرایی (قرآن، نهج‌البلاغه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، قانون اساسی ج.ا.ا.);^۲
۶. مسئولیت‌پذیری (سیاست‌های کلی فرهنگ، قانون اساسی ج.ا.ا.);^۳
۷. کارآفرینی (سیاست‌های کلی فرهنگ، قانون اساسی ج.ا.ا.);^۴
۸. رقابت‌پذیری (قانون اساسی ج.ا.ا.);^۵
۹. پاسخگویی.

۶. اهداف مدیریت شبکه‌ای

۱. اهداف اصلی

انسجام‌آفرینی، هم‌افزایی و ارتقاء اثربخشی «نظام علمی در حوزه علوم انسانی - اسلامی» در سطح «ملی و فرامللی» با بهره‌گیری حداکثری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های تمامی واحدهای «دولتی، عمومی و خصوصی» فعال در چرخه مدیریت تولید علوم انسانی - اسلامی.

۲. اهداف فرعی

۱. افزایش انسجام و یکپارچگی «واحدهای علمی حوزه علوم انسانی - اسلامی» در پاسخگویی به نیازهای محیطی و ساماندهی «نظام عرضه و تقاضای فرهنگ دینی»؛
۲. ایجاد تعادل در حوزه «سرمایه‌گذاری در بخش تولید علوم انسانی - اسلامی»؛

۱. **أَوْصِيْكُمَا... بِنَقْوَى اللّٰهِ وَنَظَمْ أَمْرِكُمْ** نهج‌البلاغه: نامه ۴۷؛ سیاست‌های کلی نظام در بخش فرهنگ، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، بند ۴.^۶
۲. قرآن کریم: آل عمران، آیه ۱۵۸ و شوری، آیه ۳۸؛ «مَنِ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَّكَ وَمَنْ شَاءَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا» نهج‌البلاغه: حکمت ۱۶۱؛ در محضر ولایت ۱۵/۱۰/۷۷، ص ۱۹۷ و ۱۹۹؛ اصول ۳ (بند ۸)، ۷، ۲۰، ۵۹ و ۱۰۰ قانون اساسی ج.ا.ا.^۷
۳. سیاست‌های کلی نظام در بخش فرهنگ، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، بند ۴؛ اصل ۲ قانون اساسی.
۴. سیاست‌های کلی نظام در بخش فرهنگ، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، بند ۴؛ اصول ۳ (بند ۱)، ۴، ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی.
۵. اصل ۳ (بند ۱) قانون اساسی.

۳. بهبود «فرهنگ سازمانی» و نهادینه کردن «مشارکت‌های بین سازمانی» در حوزه علوم انسانی – اسلامی؛

۴. راهبری «گردش اطلاعات سودمند» و ارتقاء سهم حضور ایران در شبکه جهانی اطلاعات در بخش علوم انسانی – اسلامی.

۷. سیاست‌ها

۱. محوریت «علوم انسانی – اسلامی» در گسترش «غیرخطی و همه‌جانبه اجتماعی»؛

۲. رعایت حفظ «هویت و استقلال» نهادها و سازمان‌های مؤثر و مسئول در حوزه علوم انسانی – اسلامی؛

۳. حاکمیت نگاه «فرایندی» به شبکه در مدیریت نهادهای حوزه علوم انسانی – اسلامی؛

۴. بهره‌گیری از «راهبردهای نرم» و شیب منطقی برای تغییر «رفتار سازمانی» نهادها و واحدهای مسئول در علوم انسانی – اسلامی.

۸. اصول کاربردی مدیریت شبکه‌ای

۱. شبکه با «سلول‌های مشخص» تعریف می‌شود و همگی آنها با مرکزیتی معین، راهبری می‌شود. هر یک از این سلوال‌ها، دارای ساختاری مستقل اما مرتبط است و به عنوان یک «ریز شبکه» محسوب می‌شود؛

۲. شبکه کاملاً «افقی و تخت» نیست و دارای مرکزیت و محوریت پنهان یا نیمه پنهان یا آشکار است. لذا پذیرش حداقل سیادت اجرایی در الگوی مدیریت شبکه‌ای، غیرقابل اجتناب است؛

۳. گرچه شبکه، از روابط افقی سلوال‌ها بهره‌مند است اما اولاً چند سویه است و ثانیاً این روابط یکسان نیست و دارای «سطح و لایه‌های ارتباطی» با مرکز راهبری است اما نه به شکل متمرکز؛

۴. « تقسیم سلولی شبکه »، بر اساس « ریز شبکه ها » در درون و « عوامل خارجی » تأثیرگذار بر محیط در بیرون صورت می‌گیرد؛
۵. توسعه فرهنگ « مشارکتی »، در تولید علوم انسانی - اسلامی؛
۶. ایجاد « همدلی و همکاری و همفتکری در بین نهادها و مراکز مسئول حوزه علوم انسانی - اسلامی بین سازمانی ».

۹. ویژگی های الگوی مدیریت شبکه ای

بیان « ویژگی های عناصر و سلول های الگوی مدیریت شبکه ای علمی در حوزه علوم انسانی - اسلامی در وضعیت مطلوب » از آن رو اهمیت دارد که علاوه بر کمک به ترسیم دورنمایی از الگوی مدیریت شبکه ای، زمینه تفاهم بهتری را برای معماران و متولیان تحول علمی، در دو حوزه مهندسی و مدیریت تحول علوم انسانی - اسلامی ایجاد می کند که در نتیجه می توان سریع تر و دقیق تر به چهار چوب اصلی و سلول های شبکه مطلوب دست یافت و مصادیق عینی آن را در یک منظومه منسجم - مناسب با وزن هر یک - طبقه بندی کرد. بر این اساس، ویژگی های مزبور در دو بخش تقسیم می شود:

۱.۹. ویژگی های مرکز راهبری مدیریت شبکه ای تولید علوم انسانی - اسلامی
 هر شبکه، دارای یک سلول اصلی است که به عنوان « مرکز راهبری »، نقش خطیر خود را در حمایت، هدایت و نظارت بر سایر سلول های شبکه ایفا خواهد کرد. این مرکز که از سازوکار غیرعمودی و غیرآمرانه بهره خواهد برداشت، قادر است با بهره مندی از ظرفیت های دستگاه ها و واحدهای توانمند، زمینه حضور مؤثر آنها را در مرکز راهبری علوم انسانی - اسلامی کشور تحقق بخشد. ویژگی های اصلی این مرکز عبارت است از:

۱. دارای مشروعیت جایگاه، از جانب رهبری نظام اسلامی با اختیارات کامل در عرصه تحول علوم انسانی - اسلامی؛
۲. دارای معقولیت جایگاه، در هندسه منطقی ساختار مدیریت کلان عملی کشور؛
۳. دارای مقبولیت جایگاه، در میان نهادها و واحدهای علمی هدف؛

۴. دارای رویکرد آینده‌نگر، در محیط‌شناسی، رصد، پایش و پیماش دائمی حوزه علوم انسانی - اسلامی؛

۵. دارای قدرت ایجاد ارتباطات ارگانیک بین «شبکه‌های علوم انسانی - اسلامی» و «نظام مدیریت کلان علمی کشور»، در بلندمدت؛

۶. دارای سازوکار مشارکت‌گرایانه غیرمت مرکز، در راهبری حوزه علوم انسانی - اسلامی؛

۷. دارای قدرت هدایت نرم، از طریق تناسب‌سازی دائمی استانداردها و قوانین با نظام علمی کشور.

۲.۹. ویژگی‌های سلول‌های الگوی شبکه‌ای

هر یک از این سلول‌ها (یا ریز شبکه‌ها) به عنوان عناصر میانی شبکه، به ایفای نقش مؤثر در ارتباط هدفمند و دو سویه بین نهادها و واحدهای علوم انسانی - اسلامی با مرکز راهبری شبکه می‌پردازند و به صورت حلقه‌های واسط اما با اختیارات لازم و مناسب، از ظرفیت نهادهای مرتبط با هر سلول، برای تحقق اهداف و سیاست‌های کلان و شاخص‌ها و استانداردها و قوانین مورد نیاز حوزه علوم انسانی - اسلامی بهره خواهند گرفت.

۱. دارای حاکمیت روابط شبکه‌ای درون سلولی، با گرانیگاه ساختاری مستقل (تعییه شده در هر سلول، مناسب با جایگاه و وظایف آن) به عنوان مرکز ثقل هدایت پویا و پیوسته «اطلاعات و ارتباطات درون و برون سلولی»؛

۲. دارای یک فرایند و گردش عملیات مستقل و مرتبط با دیگر سلول‌ها؛

۳. دارای ظرفیت پاسخگویی کامل و دائم به نیازها و تقاضاهای درونی و بیرونی؛

۴. دارای تفاوت مناسب با جایگاه هر سلول، بر اساس قاعدة حاکم بر متغیرها و عناصر در نگاه سیستمی.

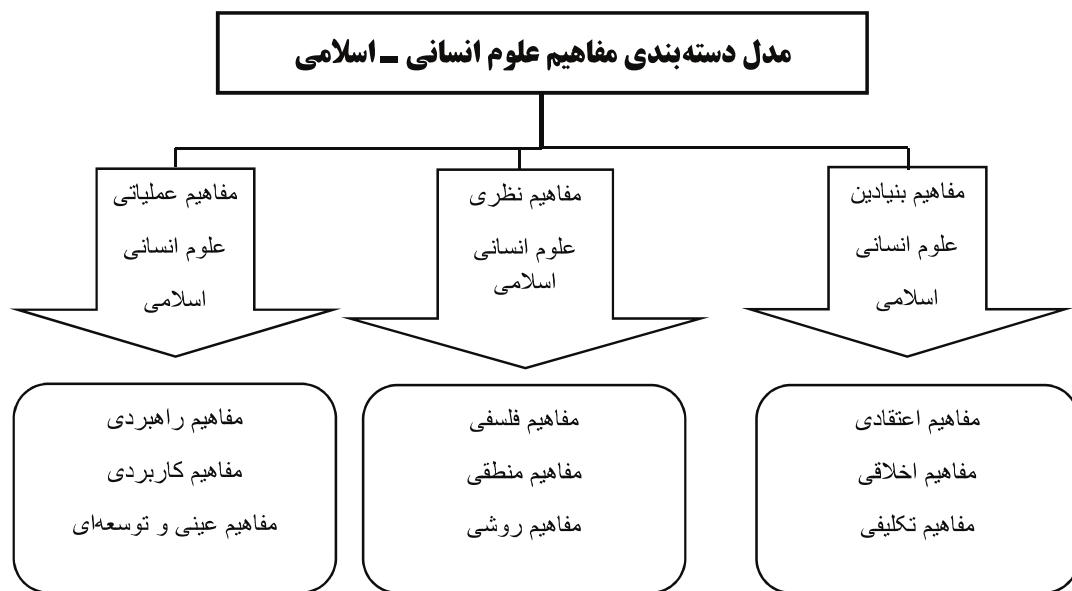
۱۰. الگوی پیشه‌های در چرخه مدیریت تولید علوم انسانی - اسلامی

با توجه به طرح ضرورت، بیان مسئله، تعریف مبانی، اصول و ویژگی‌های پیش گفته

می‌توان دورنمایی از الگوی مدیریت شبکه‌ای تولید علوم انسانی را ارائه داد.

۱.۱۰. محتوای علوم انسانی – اسلامی

در ابتدا باید بتوان محتوای علوم انسانی – اسلامی را به گونه‌ای دسته‌بندی و طبقه‌بندی کرد که در عین استقلال دسته‌های مفهومی از یکدیگر یکپارچگی و پیوستگی آنها نیز قابل ملاحظه باشد. در نگاره شماره ۱، شاهد یک تحول طبقه‌بندی برای نظام مفاهیم علوم انسانی – اسلامی هستیم که همه سطوح مفاهیم بنیادی، نظری و عملیاتی تمامی علوم انسانی را در خود جای داده است.



نگاره شماره ۱

۲.۱۰. ارکان مدیریت شبکه‌ای تولید علوم انسانی – اسلامی

در سیر تبدیل و تحول علوم انسانی موجود تمامی نهادهای علمی مؤثر در حوزه علوم انسانی – اسلامی در سطوح بنیادی، نظری و عملیاتی کشور (نگاره ۱) متناسب با جایگاه و سطوح فعالیت‌هایشان نقش آفرینند. نهادهایی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی، حوزه‌های علمیه، اندیشکده و فرهنگستان‌ها، پژوهشگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها، دانشگاه‌ها و... در کنار یکدیگر با یک نظام و مدیریت شبکه‌ای می‌توانند به یک سازمان غیر مرکز اما

منسجم علمی مبدل شوند و با گردنش کار هماهنگ امکان تحول، تولید و نوآوری در نظام علوم خاصتاً علوم انسانی - اسلامی را به وجود آورند. پس ارکان و عناصر محوری شبکه علمی در طرح پیشنهادی عبارتند از:

۱.۲.۱۰. شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرکز و قرارگاه فرماندهی علمی فرهنگی و به عبارتی مرکز مهندسی و مدیریت تحول و تولید علوم انسانی - اسلامی است. مقام معظم رهبری در خصوص رسالت و جایگاه نهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی چنین می‌فرماید:

«شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان بالاترین رده در نظام فرهنگی کشور، مأموریت و وظیفه حساس و پیچیده‌ای در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور بر عهده دارد. به غیر از این مجموعه هیچ جایگاه و مرکز دیگری در کشور وجود ندارد. دولت و مجلس و حتی مجمع تشخیص مصلحت نظام در رابطه با فرهنگ کشور وظایفی بر عهده دارند ولی هیچ کدام وظیفه‌ای که این شورا بر عهده دارد را عهده‌دار نبوده و نمی‌توانند انجام دهند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۹/۲۶).

«این مجموعه در کشور بی‌بدیل است. در مدیریت راهبردی فرهنگی، ما به غیر از این مجموعه، هیچ مرکزی را در کشور نداریم. بخش‌های مختلف، چه دولت، چه مجلس، چه حتی مجمع تشخیص مصلحت نظام وظایفی دارند؛ اما هیچ کدام وظیفه‌ای را که این شورا بر عهده دارد و آن در قالب شرح وظایف و مواد و بندهای گوناگون تدوین شده است، بر عهده ندارند؛ بنابراین مرکز بی‌بدیلی است. این جا را در واقع باید اتاق فرمان فرهنگی کشور یا ستداد عالی فرهنگی و علمی دستگاه‌های کشور - اعم از دستگاه‌های فرهنگی و سایر دستگاه‌ها - و مرکز مهندسی فرهنگی کشور به حساب آورد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۹/۲۶).

براین اساس شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان شایسته‌ترین نهاد و بالاترین رده در نظام فرهنگی کشور، توان و ظرفیت لازم در انجام مدیریت، هدایت و راهبری علمی را

در حوزه علوم انسانی - اسلامی دارد.

۲.۲.۱۰. حوزه علمیه

در فرایند تولید و تحول علوم انسانی - اسلامی، حوزه‌های علمیه نقش بی‌بدیلی را دارند. نقطه آغازین در تولید علوم انسانی - اسلامی، استخراج مفاهیم بنیادین^۱ از متن آیات و روایات است. این دسته مفاهیم از ارکان اساسی و بهمنزله ستون فقرات علوم انسانی - اسلامی محسوب می‌شوند. بیانات مقام معظم رهبری در این باره چنین است:

«حوزه باید مسایل اقتصادی، نظام، سیاست خارجی و ارتباطات اخلاقی را از دین استخراج کند. ما مسایل اقتصادی خود را باید از دین در آوریم. مسایل نظامی را باید از دین در آوریم.

مسایل سیاست خارجی خود را باید از دین در آوریم. ارتباطات اخلاقی خود را باید از دین در آوریم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۲/۱).

۳.۲.۱۰. اندیشکده و فرهنگستان

وظیفه اصلی اندیشکده و فرهنگستان تولید نظریه و تئوری در علوم انسانی - اسلامی بر اساس مفاهیم پایه و مفروضات اساسی دینی استنباط شده از معارف اسلامی توسط حوزه‌های علمیه است. معمولاً هر اندیشکده و فرهنگستان طراح یک نظریه هستی‌شناسی

۱. میرباقری، سید مهدی، گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی، انتشارات فرهنگستان علوم اسلامی، ۱۳۸۹: «مفهوم‌بنیادی از سه دسته مفاهیم اعتقادی (توصیفی)، اخلاقی (ارزشی) و تکلیفی (احکام عمل) تشکیل شده‌اند: مفاهیم اعتقادی: توصیف از هستی را ارائه می‌دهند که در معارف حوزه با عنوان هستی‌شناسی از آن یاد شده است و در آن مباحثی چون مبدا و معاد و به تبع آن سایر اصول اعتقادات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تحلیل تاریخ - که از آن به عنوان فلسفه تاریخ یاد می‌شود - نیز می‌تواند از مباحث توصیفی و بنیادی محسوب شود؛ زیرا طی آن به چگونگی رخداد تحولات تاریخی و بیان نقاط عطف تحولات تاریخی می‌پردازد و از این نظر که می‌تواند زیربنای مباحث جامعه‌شناسی و حتی انسان‌شناسی قرار گیرد به عنوان مباحث بنیادی قابل بررسی است.

مفاهیم اخلاقی: این دسته مفاهیم مربوط به حوزه ارزش است که در زمرة مباحث پایه در علوم اخلاقی و عرفانی قرار دارند؛ برای مثال فلسفه اخلاق که در آن مبنای خوبی و بدی و زشتی و زیبایی مورد توجه قرار می‌گیرد.

مفاهیم تکلیفی: این دسته مفاهیم در بردارنده احکام عمل در سطوح فردی و اجتماعی است، مثلاً احکامی همچون مبارزه با ظلم، استقرار و رعایت عدالت در سطوح مختلف روابط فردی و اجتماعی، پاسداشت آزادی با تمام گستره و تنوعی که - این مفهوم - می‌تواند دربرداشته باشد».

و معرفت‌شناسی خاص خود است و سپس حلقه‌های فلسفه مضاف را بر این اساس شکل می‌دهد و فلسفه علوم را بر اساس اندیشه خود تولید می‌کند. در غیر این صورت اطلاق اندیشکده بر یک پژوهشگاه کار منطقاً صحیح نیست. البته ممکن است که یک اندیشکده و فرهنگستان نظریه خود را از یک فرهنگ بیرون از بوم فرهنگی خود اخذ کرده باشد، اما در هر صورت باید توانسته باشد تا روابط بوم فرهنگی خود را در دل آن نمایان سازد تا بتواند به عنوان یک اندیشکده و فرهنگستان به رسمیت شناخته شود والا باید آن را یکی از پژوهشگاه‌های اقماری نظریه مربوط به فرهنگی بیگانه‌ای دانست که در یک جغرافیای فرهنگی دیگر مشغول به فعالیت است.

اندیشکده و فرهنگستان، فلسفه علم (و فلسفه روش تحقیق خاص آن علم) خود را پی‌ریزی می‌کنند، و برای فعالیت علمی پژوهشگاه‌های تحت نفوذ «فلسفی» خود مهیا می‌سازد. انواع نظریاتی که یک اندیشکده و فرهنگستان می‌تواند به آن دست پیدا کند، در نگاره شماره ۲ آمده است.

۴.۲.۱۰ پژوهشگاه

در فرایند تولید علوم انسانی - اسلامی پژوهشگاه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تبدیل نظریه به معادلات و تولید علوم انسانی - اسلامی دارند. هر پژوهشگاه همیشه تحت اشراف فلسفی اندیشکده و فرهنگستان مافوق خود است. در حقیقت فرهنگ حاکم بر پژوهش‌های آن، تحت نفوذ نظریه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... نظام علمی اندیشکده و فرهنگستان متبع‌عش است؛ چه به طور مستقیم در آن اندیشکده و فرهنگستان تولیدشده باشد، مثل نظریه‌های هستی‌شناسی و چه در پژوهشگاه‌های اقماری و تحت نفوذ آن اندیشکده و فرهنگستان تولیدشده باشد و دستاورده آنها در این پژوهشگاه به کاربرده شود، مثل انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم زیستی و ریاضی، که مورد نیاز یک دانشمند علوم انسانی و اجتماعی قرار می‌گیرد. اما در مجموع کار اصلی پژوهشگاه‌های علوم انسانی در دست‌گرفتن یکی از شاخه‌های علوم انسانی - اسلامی و تولید روش تحقیق نظری و میدانی و سپس تولید ساختار علوم انسانی

نگاه اول: انتخاب و گزینش
یکی از نظریات علوم انسانی
دُنیا

- این منظر، ساده ترین مدل نظریه پردازی است که قدرت تفکر جامعه خود را فقط در سطح «گزینش» یکی از نظریاتی که در نقاط دیگر دنیا تولید شده اند به کار می بندد.
- این نظریه ظرف سال های ابتدائی انقلاب اسلامی مورد توجه عده ای بود اما به سرعت از سوی اکثریت اندیشمندان علوم انسانی ما متوجه گردید.

نگاه دوم: گزینش و سپس بهینه
یکی از نظریات علوم انسانی
دُنیا

- این نگاه دارای طرفداران زیادی است و به نظر جمع کثیری اندیشمندان کنونی جامعه ما دیدگاه معقولی است.
- در شرایط موجود این نظریه از چندین پایگاه فلسفی حمایت میشود که هر کدام دارای مبانی و روشهای تحقیق متفاوتی هستند.

نگاه سوم : نقد و نقض
نظریات موجود و رسیدن به
بنیانهای جدید علمی در علوم
- اسلامی انسانی

- اگرچه ظرف سالهای اخیر اقبال به این نظریه رو به افزایش است، اما طرفداران این نظریه در علوم مختلف نظریات متفاوتی دارند. عدهای این نگاه را فقط در علوم انسانی و یا فقط تکنولوژی میبینند. و عدهای در غیر علوم انسانی نیز همین منظر را پیچوری میکنند.

نگاره شماره ۲ - سطوح نظریه های مورد استفاده در اندیشکده ها و فرهنگستان ها

- اسلامی مورد نظر است. بر این اساس، هر پژوهشگاه باید نظریه اندیشکده متبوع خود و اندیشه مورد حمایت خود را نیز اعلام بدارد.

پژوهشگاه با توجه به نظریه علوم انسانی - اسلامی مورد مطالعه اش، دارای روابط متنوع و مختلفی است که روابط کلی آن را می توان از نوع تعاملی که با «اندیشکده و فرهنگستان، آزمایشگاه و دانشگاه» های متبوعش برقرار می کند، شناخت.

۵.۲.۱۰ آزمایشگاه

پژوهشگاه های علوم انسانی - اسلامی برای آزمون و تست معادلات و علم تولید شده در شاخه های مختلف علوم انسانی - اسلامی نیازمند آزمایشگاه هستند.

هر آزمایشگاهی در این شبکه بزرگ علمی تحت اشراف اندیشه پژوهشگاه متبع عش است و پی تحقق «تحقیقات میدانی» آن پژوهشگاه است تا از طریق آزمون، میزان کارآمدی و صحت هر معادله را مشخص کند.

آزمایشگاه دارای اجزاء متعدد و متنوعی است، اما در گام اول «روش تحقیقات میدانی» و «دستور تحقیق میدانی» خود را از پژوهشگاه متبع خود دریافت می‌کند و سپس از دانشگاه تحت نفوذ اندیشه متبع عش نیز آزمایش‌گر خود را انتخاب می‌کند. در نهایت نیز «گزارش کار» خود را که حاصل «گزارش خام مشاهده آزمایش‌گر» و «گزارش کارشناسی کلینیک عیب‌یابی» است، در قالب مخصوصی به پژوهشگاه مربوطه بازمی‌گرداند. نگاره شماره ۳ اجزاء داخلی یک آزمایشگاه را نمایش می‌دهد.



نگاره ۳

۶.۲.۱۰. دانشگاه (آموزشگاه)

هدف اصلی دانشگاه‌ها «توزیع و آموزش» مناسب علوم در بین نیروی انسانی طالب آن است. اما توزیع و آموزش مناسب علوم دارای سطوحی است که در نگاره شماره ۴ نمونه مطلوب آن ترسیم شده است. نکته قابل تأمل آن است که قدرت عینی یک اندیشه

در مدیریت و شکل دهی علمی یک دانشکده و سپس به مقبولیت اجتماعی رسانیدن آن، می تواند یکی از راهکارهای عینی بررسی میزان توانمندی یک اندیشه در «کاربردی» بودن و «کارآمدی» داشتن به شمار آید.

دانشگاهها دارای مسائل مورد اهمیت دیگری نیز هستند، از جمله اینکه:

- هر دانشجویی از ابتدای شروع به تحصیل، افق خاصی را برای خود ترسیم می کند؛
- در برنامه ریزی آموزشی، همواره باید به گونه ای عمل شود که کسانی که نیازی به تحصیلات تکمیلی برای پژوهشگر شدن ندارند، از کسانی که نیاز به کسب تجربیات کارشناسی دارند تفکیک شوند و همه دوره های کارشناسی ارشد و دکتری بر سر یک سفره علمی ننشینند، بلکه مسیر آموزشی ایشان جدا گردد.

* هدف از این دوره تربیت

پژوهشگر درجه یک برای تحقیق و بررسی دوره دکتری

در روش تحقیق علوم انسانی - اسلامی است

* هدف از این دوره ترتیب پژوهشگر

درجه دو، مسلط به روش تحقیق در یکی از دوره کارشناسی ارشد

شاخه های علوم انسانی - اسلامی است

* هدف از این دوره تربیت

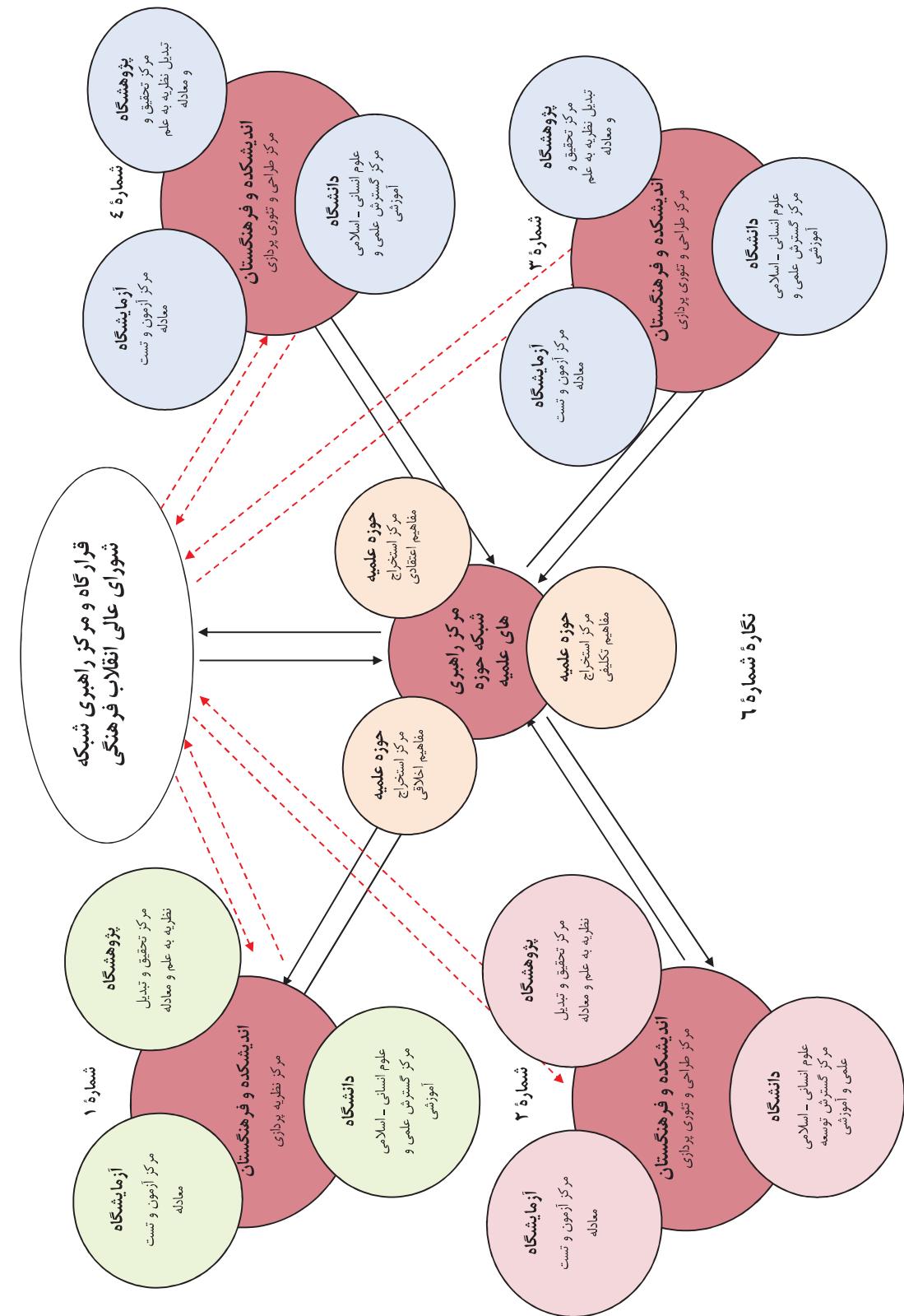
کارشناسی توانمند برای به کار

دوره کارشناسی

بسن علوم انسانی - اسلامی در جامعه است.

نگاره شماره ۵ و ۶ کل فعالیت‌های درونی سازمان شبکه علمی پیشنهادی را در موضوع علوم انسانی - اسلامی ترسیم می‌کند.

دانشگاه	آزمایشگاه	پژوهشگاه	اندیشکده و فرهنگستان	حوزه علمیه
<p>دوره دکتری تربیت پژوهشگر درجه یک در بالاترین سطح پژوهش برای گزینش، بهینه، تولید روش تحقیق علوم انسانی اسلامی</p> <p>دوره کارشناسی ارشد تربیت پژوهشگر درجه دو، پژوهشگری که به روش تحقیق علوم انسانی - اسلامی مسلط است و قدرت تفکیک آن از دیگر روش‌ها را دارد. این پژوهشگر قدرت تولید علم در شاخه‌های زیرین علوم انسانی - اسلامی را جامعه</p>	<p>آزمایش معادلات مبتنی بر نظریات تولید شده در پژوهشگاه‌ها از طرق روش‌های آزمایشگاهی برای ارزیابی و بهینه‌سازی علم تولیدشده و اندازه‌گیری میزان کارآمدی عینی آن در فضای جامعه</p>	<p>تولید روش‌های تحقیق نظری، کتابخانه‌ای و میدانی، اندیشکده و فرهنگستان مرتبط</p>	<p>تولید نظریه و مبادی علوم انسانی - اسلامی (فلسفه علمی) هماهنگ با اعتقادات (هستی‌شناسی) اخلاقیات (شایسته و ناشایسته‌ها) تکالیف (باید) و (نیابد) فرهنگ دینی</p>	<p>استخراج مفاهیم بنیادی از متن آیات و روایات در سه سطح ۱. مفاهیم اعتقادی ۲. مفاهیم اخلاقی ۳. مفاهیم تکلیفی</p>
		<p>تولید علم و معادلات در علوم انسانی اسلامی</p>	<p>تولید فلسفه روش‌های تحقیق مضاف به نحوی که بتواند از این طریق بر جریان تحقیقات شبکه پژوهشگاه‌های ذیل خود نظارت داشته باشد.</p>	<p>تولید و طراحی معرفت‌شناسی در حوزه علوم انسانی اسلامی</p>
				۱۹۸



۳.۱۰. مناسبات محیطی مدیریت شبکه‌ای

پس از توضیح محتوا و سازمان شبکه علمی، باید به تعدادی از مناسبات «محیطی» اما ضروری این شبکه علمی نیز اشاره کرد. شناخت دقیق‌تر و کامل مناسبات محیطی و اجزاء بیرونی شبکه علمی، در زمان تحقق آن شبکه محقق می‌گردد، اما در مرحله طرح نظری، مناسب است کلی‌ترین و اثرگذارترین اجزاء محیطی این شبکه علمی را مشخص کرد.

۱.۳.۱۰. چگونگی هدایت و بهره‌وری از شبکه علمی

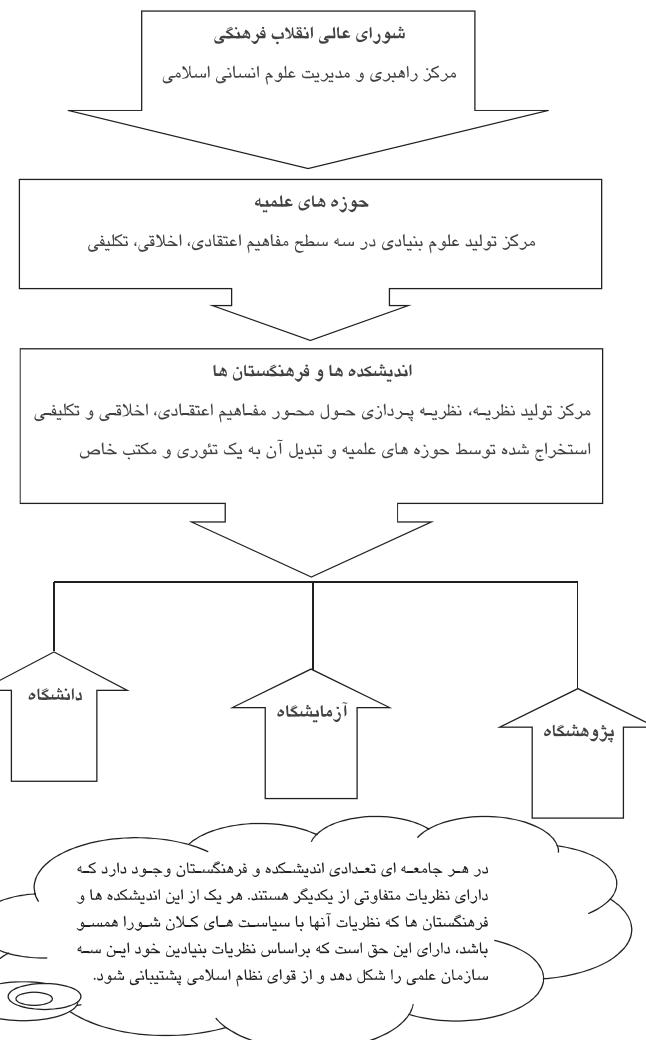
یکی از چالش‌های سازمان‌های علمی چگونگی ارتباط آنها با حاکمیت و قدرت است. در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، نهادی با عنوان «شورای عالی انقلاب فرهنگی» وجود دارد که متشكل از فرهیختگان و اندیشمندان فرهنگی و باورمند به فرهنگ اسلامی - ایرانی است. تا این برhe از تاریخ انقلاب اسلامی ایران اصلی‌ترین مناسبات تعامل علم و دولت از سوی این نهاد تدارک دیده شده است.

مدیریت شبکه‌ای پیشنهادی در چرخه تولید علوم انسانی - اسلامی باید همچنان از طریق نهاد شورای عالی انقلاب فرهنگی مدیریت شود زیرا به عنوان قرارگاه فرماندهی فرهنگ و علم «کانون نخبگان حوزه نیازسنجی فرهنگی» است. «ضرورت»‌هایی که در شبکه علمی کشور باید بدان‌ها دست یافت. توسط شورای عالی در قالب نقشه جامع «علوم انسانی - اسلامی» باید مشخص شود و از طریق میزان «پاییندی» و سپس «توانمندی» هر دیدگاه که دارای یک شبکه علمی است، میزان قدرت اجتماعی آنها را در فضای برهانی و استدلالی، همچنین در حل معضلات و پاسخگویی به شباهات و سطح کارآمدی عینی مدیریت کند. نگاره شماره ۷، چگونگی تعامل شورای عالی انقلاب فرهنگی با شبکه‌های علمی پیشنهادی را ترسیم می‌کند.

نکته‌ای که در «نقشه جامع علوم انسانی - اسلامی» بسیار ضروری است آن است که چنین نقشه‌هایی اصولاً باید برای مدیریت کلان علوم انسانی - اسلامی طراحی شوند و نباید به روشِ حرکت علم در جامعه دخالت مستقیم بکند. این بدین معناست که نقشه جامع، سعی خود را در این جهت متمرکز کند که به هیچ‌وجه «چگونگی» گمانه‌زنی و

طرح احتمالات جامعه را محدود نکند، بلکه از طریق مشخص کردن اهداف و خطوط قرمز برای حرکت علمی کشور «جهت» حاکم بر حرکت علمی کشور را ساماندهی کند. و دست اندیشکده‌ها را باز بگذارد که در مسیر تحقق بایدهای ارائه شده در نقشه جامع، از هر روش قدیمی و یا تازه تولیدشده‌ای در به نتیجه رسیدن تحول یا تولید علوم انسانی - اسلامی آزادانه عمل کنند، و اشکالات و ضعف‌های درون نظام علمی در مباحثات علمی بین شبکه مطالعه شود و قدرت و ضعف روش‌های علمی در جایی غیر از نقشه جامع علمی کشور پیگیری شود.

شبکه علمی دستیابی به علوم انسانی اسلامی



۴.۱۰. «برنامه»ی تعامل شبکه‌های علمی

پس از آنکه شبکه‌های علمی علوم انسانی - اسلامی، ارزیابی شدند و نمره‌های مناسب را بر اساس نظام ارزشیابی نقشهٔ جامع علمی کشور دریافت کردند، باید بتوان برنامه جامعی ارائه داد که در آن مشخص شود هر یک از اندیشکده‌ها به همراه شبکه علمی اش در چه سطحی قابل ارتباط و توانمند در حل مسائل علوم انسانی - اسلامی در ارتباط با نظام مدیریت اجتماعی هستند.

بر اساس آنچه که در نمودار شماره ۲ آمده است، اندیشه‌های بنیادین را می‌توان در سه سطح، طبقه‌بندی کرد. سپس دیده می‌شود که هر یک از این سه سطح نیز با توجه به:

۱. میزان تغییراتی که مطالبه می‌کند؛

۲. میزان زمان مورد نیاز برای به دست آمدن نمونه کامل علمی مورد نظر آن اندیشه؛

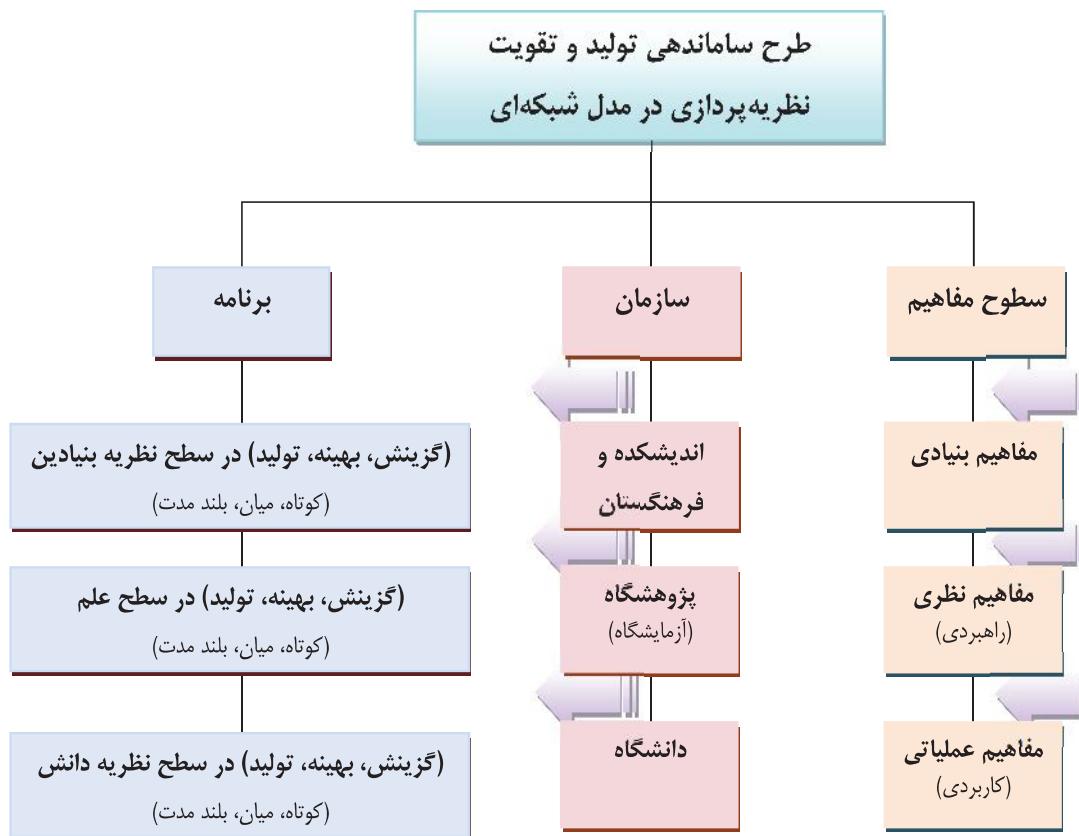
در سه سطح می‌توانند با جامعه ارتباط برقرار کنند:

الف) در کوتاه‌مدت: شبکه‌های علمی علوم انسانی - اسلامی که تغییرات کمتری را از نظام‌های شایع علمی کشور مطالبه می‌کنند، و در عین حال نمره مورد نظر شورا عالی انقلاب فرهنگی را کسب می‌کنند، در اولین گام با جامعه مدیریتی کشور ارتباط مستقیم برقرار می‌کنند و دو شبکه دیگر نقش نقادی این اندیشه را به عهده می‌گیرند و به تولید خود ادامه می‌دهند.

ب) میان‌مدت: در صورتی که شبکه اول از عهده آزمون نقادی برآید، از صحنه کnar خواهد رفت. سپس شبکه علمی که به بهینه اندیشه‌های موجود در دنیا و یا به تولید اندیشه جدید معتقد هستند، در رقابت با یکدیگر قرار می‌گیرند که با توجه به کوتاه‌تر بودن زمان مورد نیاز برای شبکه‌های معتقد به بهینه و ادغام علوم سنتی و جدید و قابل فهم بودن این اندیشه در زمان حاضر، به احتمال قوی این شبکه در رأس جایگاه کاربرد علمی قرار خواهد گرفت.

ج) بلند‌مدت: در این دوره اگر شبکه دوم نیز از آزمون نقادی و عینی سربلند بیرون نیاید و از پس نقد علمی و پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه بازماند، به صورت خودکار،

جريان اعتماد علمی به سمت اندیشه‌های تأسیس و تولید محور، تمایل پیدا می‌کند. در این سطح اندیشه‌های تولید محور، با توجه به رشد خود در مدت زمان گذشته و با توجه به قابل تفاهمنشدن موضع علمی‌شان به رأس هرم تولید علوم انسانی - اسلامی صعود خواهند کرد. در نگاره شماره ۸ شکل کلی این روابط بیان شده است.



نگاره شماره ۸

۱۱. سیاست‌های تحقیق مدیریت شبکه‌ای علمی

حال سؤال این است که چه سیاست‌هایی را باید به کار بست تا بتوان مدیریت شبکه‌ای در جامعه محقق شود؟ در یک شبکه در هم تنیده علمی، نظم دقیق حکم فرماست و هرگونه نافرمانی باعث اختلال در کل شبکه علمی کشور می‌شود. در صورت نارضایتی و یا کمکاری بدنۀ علمی کشور، فرض اختلال در شبکه متصور است. در نتیجه باید ایده‌ای ارائه داد که بر اساس آن بتوان به صورت آگاهانه، سیر تحقیق شبکه را مدیریت کرد و در

حین کار نیز مراحل کار را «رصد» کرد.

شبکه را در سیر سه‌گانه زیر می‌توان محقق کرد:

۱- ابتدا باید، تلاش و اقدام برای فرهنگ‌سازی در «ارزشمند» قلمدادشدن این شبکه علمی صورت پذیرد. کمال کار در آن جا خواهد بود که جامعه علمی کشور آنچنان رابطه‌ای با این شبکه برقرار کند که آن را به صورت یک نظام ارزشمند و پویا بشناسد و تمام انگیزه علمی خود را در آن قابل تحقق بداند. در این صورت آحاد جامعه علمی کشور، از یک سو وجود این شبکه را «حق» خود؛ و از سوی دیگر جد و جهد برای عملکرد بهینه آن را وظیفه و «تکلیف» خود دانسته و پایداری و پویایی آن را طلب می‌کنند.

بنابراین اولین سیاستی که باید از سوی مسئولین جدی گرفته شود، فرهنگ‌سازی برای ارزشمند قلمدادشدن شبکه علمی علوم انسانی - اسلامی از سوی جامعه است.

۲- در مرحله بعد می‌توان از قوای قانون‌گذار نظام درخواست کرد که قوانین و ضوابط مورد نیاز ایجاد چنین شبکه‌ای را تدوین کنند. سپس جریان‌های فرهنگ‌ساز را به این سو جهت داد که اجزاء شبکه علمی مورد نظر را تبلیغ کنند و جامعه را به سوی ارزشمند قلمداد کردن مناسبات جدید سوق دهند.

۳- بعد از سپری شدن مرحله قانون‌گذاری، نوبت به سازوکار ایجاد «ساختار» شبکه علمی از طریق نهادهای مدیریتی علمی کشور می‌رسد. به بیان دیگر، در این مرحله باید اقدام به طراحی «سامانه گردش کار» شبکه علمی جدید بر اساس اهداف و برنامه‌های راهبردی کرد. در این مرحله تقسیم کار و مأموریت اجزا شبکه علمی علوم انسانی - اسلامی - در عین حفظ وحدت و یکپارچگی شبکه معین می‌شود.

در پایان به چند مورد محدود از سیاست‌هایی که برای گسترش نمونه شبکه‌ای علمی مورد نیاز است اشاره می‌شود:

۱- تفاهم بر الگوی مدیریت شبکه‌ای پیشنهادشده: در بین اهل علم، عده‌ای بر این گمان‌اند که مشکل نظام علمی موجود کشور، بی‌نظمی و یا نظم غیرکارآمد است. عده کثیر دیگری هستند که اساساً به وجه ناکارآمدی نظام علمی کشور آگاه نیستند و تنها معتقدند که نظام موجود کارآمد نیست. اولین مسئله که باید در فرهنگ‌سازی بدان توجه کرد، القاء این مسئله است که اصلی‌ترین مشکل ما، بی‌نظمی در چینش علوم و به تبع آن روابط علمی اندیشمندان ماست. لذا باید:

- کسانی را که به این بی‌نظمی واقف نیستند نسبت به بی‌نظمی موجود در نظام علمی کشور خصوصاً در علوم انسانی - اسلامی حساس کنیم.
- سعی شود بین کسانی که به اصل بی‌نظمی واقف هستند، بر سر الگوی مدیریت شبکه‌ای طراحی شده تفاهم راهبردی ایجاد کرد.

۲- لزوم ترویج سطح‌بندی محتوایی در منظومه علوم و معارف و تقسیم کار نهادها بر آن اساس: نظامی که در این شبکه علمی پیشنهاد شده است، اگرچه قابلیت تفاهم با متخصصین و فرهیختگان را دارد، اما آگاهی و میزان توجه اجتماعی نسبت به آن را باید ارتقا بخشد، به نحوی که کندوکاو در شبکه برای مدتی در جامعه رواج یافته باشد تا در صورت رسمی شدن آن در نظام علمی کشور، دیگر برای اکثریت قریب به اتفاق جامعه علمی کشور آشنا باشد و جامعه علمی کشور در آن سردرگم نگردد. شاید اولین مسئله علمی که باید ترویج شود لایه‌بندی علوم در سه سطح راهبردی ذیل است:

- علوم بنیادی (مفاهیم اعتقادی، اخلاقی و تکلیفی)؛
- علوم نظری (فلسفه روش تحقیق، روش تولید علم و معادلات و ساختارهای آن علم)؛
- علوم عملیاتی (مفاهیم راهبردی - کاربردی و عینی).

بی‌توجهی به چنین سطح‌بندی‌هایی منجر به هرج و مرج علمی و در نتیجه غفلت از جامع نگری در پرداختن به ابعاد گوناگون و به هم پیوسته در نظام علمی کشور خواهد شد. مثلاً سطح بنیادین علوم انسانی - اسلامی، فقط در حوزه‌های علمیه قابل پی‌گیری

است و در صورت توجه نکردن به چنین نهادی، مفاهیم بنیادین علوم انسانی - اسلامی در بین لایه‌های دیگر علوم و بدون متولی رها خواهد شد و به ساختار علمی کشور لطمه خواهد زد. اهتمام به سطح‌بندی علوم در تولید علوم انسانی - اسلامی باعث مشخص شدن توجه جامعه علمی از هر دانشمند می‌شود و توقع از هر دانشمند به سطحی که به آن تعلق دارد محدود خواهد شد.

- ۳- ضرورت تغییرات متناسب در دروس حوزوی و دانشگاهی: باید در دروس حوزوی و دانشگاهی و به خصوص در دوره کارشناسی، درس‌هایی برای آشنایی با نظام طبقه‌بندی علوم و کارکرد هر کدام در جریان تولید علم و گیتی‌شناسی علم قرار داده شود.

۱۲. جمع‌بندی

به نظر می‌رسد تحول و تولید علوم انسانی - اسلامی نیازمند ساختاری توانمند است که نظام تفقه دینی، نظریه‌پردازی، پردازش مفاهیم بنیادی، تولید علم و معادلات کاربردی و نمونه‌های اجرایی را به صورت هماهنگ سازماندهی کند.

«بنابراین چنانچه تفقه دینی در یک نظام تحقیقاتی منسجم قرار گیرد، بر نظریه‌پردازی، تولید علم و معادلات کاربردی و مدل‌های اجرایی تاثیرگذار خواهد بود، به گونه‌ای که جهت‌گیری تولید علوم انسانی - اسلامی را هدایت خواهد کرد». ۱ (پیروزمند، ۱۳۸۲: ص ۹۳)

نهادهای علمی و تحقیقاتی کشور نیازمند یک مدیریت شبکه‌ای تحقیقاتی هماهنگ است که به صورت غیر مرکز و نه مرکز (عمدتاً از طریق نرم‌افزار) اداره شود، بدین ترتیب دیگر سازمان‌های موازی تحقیقاتی و بی‌ارتباط باهم در حوزه‌های علمیه، اندیشکده‌ها و فرهنگستان‌ها، پژوهشگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها و دانشگاه‌ها و حتی نظام اجرایی نخواهیم داشت. بلکه مدیریت مجموعه تحقیقات نهادها و دستگاه‌ها در حوزه علوم انسانی - اسلامی در یک شبکه هماهنگ صورت می‌پذیرد. به گونه‌ای که فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی به صورت نظام پژوهشی، مکمل یکدیگر عمل می‌کنند طبعاً محصول این شیوه

۱. پیروزمند، علیرضا، کتاب نرم‌افزار مهندسی تمدن اسلامی، انتشارات دفتر فرهنگستان علوم اسلامی، مرداد ۸۲

تحقیقات به صورت کارآمد و هماهنگ در جهت پیشرفت همه‌جانبه جامعه اسلامی ظاهر می‌شود.

بنابراین به نظر می‌رسد که عامل اصلی معضلات و چالش‌های چند دهه گذشته و مسائل فراروی نظام اسلامی تعارض بین تفقه دینی و علوم سکولار از جمله علوم انسانی موجود است و راه حل اساسی آن ایجاد مدیریت شبکه‌ای تحقیقات، هماهنگ بر مبنای اسلام ناب محمدی (ص) است. تا کلیه نهادهای علمی کشور از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی - شورای عالی حوزه‌های علمیه - اندیشکده‌ها و فرهنگستان‌ها، پژوهشگاه‌ها و دانشگاه‌ها به سمت یک هدف واحد هماهنگ شوند، به گونه‌ای که موضوعات، روش‌ها و کارآمدی تحقیقات در جهت تولید علوم انسانی - اسلامی قرار گیرد.

در این مقاله سعی شد پاسخی اجمالی اما روشن به سؤال‌های مطرح از سوی نخبگان حوزوی و دانشگاهی در خصوص تقویت مدیریت نظریه‌پردازی بومی و راهبردهای تولید و توسعه نظریه‌پردازی در علوم انسانی - اسلامی از طریق الگوی مدیریت شبکه‌ای داده شود. امیدواریم این پاسخ زمینه‌ساز هماندیشی و ورود دیگر نخبگان متعدد، آگاه و بیدار به این عرصه راهبردی و حساس باشد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
 - نهج البلاغه.
١. پیروزمند، علیرضا. ۱۳۸۲. کتاب نرم افزار مهندسی تمدن اسلامی. قم. انتشارات دفتر فرهنگستان علوم اسلامی.
 ٢. _____. ۱۳۷۰/۱۲/۱. بیانات در دیدار با طلاب و فضلای حوزه علمیه قم.
 ٣. خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۸۱/۹/۲۶. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی.
 ٤. رضایی، عبدالعلی. ۱۳۷۷. جزوء مرحله تغییرات مدیریت شبکه‌ای تحقیقات. قم. انتشارات فرهنگستان علوم اسلامی.
 ٥. _____. ۱۳۸۸. طرح کلیات الگوی مدیریت شبکه‌ای کلان دستگاه‌های فرهنگی. قم. انتشارات فرهنگستان علوم اسلامی.
 ٦. _____. ۱۳۸۹. الگوی طراحی سازمان مدیریت شبکه‌ای تحقیقات. قم. انتشارات فرهنگستان علوم اسلامی.
 ٧. سیاست‌های کلی نظام در بخش فرهنگ، مجمع تشخیص مصلحت نظام، بند ٤.
 ٨. قماشچی، فردوس. ۱۳۸۱. بررسی مبانی نظری مدیریت شبکه‌ای تحقیقات و ارائه شاخص‌های مدل مطلوب. دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله الاعظم (عج)، دانشکده بهداشت، استاد راهنمای حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالعلی رضایی.
 ٩. کاستلز، مانوئل. ۱۳۸۴. عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای). جلد اول. ترجمه احمد علیقلیان و افسین خاکباز. تهران. انتشارات نشر نو. چاپ چهارم.
 ١٠. مرعشی، سید جعفر. ۱۳۷۶. توسعه تفاهمنامه علمی. تهران. انتشارات سازمان مدیریت صنعتی. چاپ اول.
 ١١. میرباقری، سید محمد مهدی. ۱۳۸۹. گفتارهایی پیرامون تحول در علوم انسانی. قم. انتشارات فرهنگستان علوم اسلامی.
 12. Broering NC, Hylton JC, et al. 1991. Bio SYNTHESIS: access to Knowledge network of health sciences databases. J Med syst. 15 (2): 139-153.
 13. Gabrieli ER. 1978. Medical information system, health records, and knowledge banks. Med Instrum. 12 (4): 245-247.
 14. Lverson DC, calonge BN, et al. 1988. The development and management of primary care research network, 1978-87. Fam Med. 20 (3): 350-356.
 15. Lauf, Hayward R. 2000. Building a virtual network in a community health research training program. J Am Med Inform. 7 (4): 361-377.